

### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۱

که مسیحیان به فرزندان خویش می‌دهند و معتقدند او را از گناه پاک می‌کند) و هنگامی که مسیح اظهار نبوت کرده، یحیی به او ایمان آورد. بدون شک یحیی کتاب آسمانی ویزهای نداشت و اینکه در آیات بعد می‌خوانیم یا یحیی خذ الکتاب بقوة «ای یحیی کتاب را با قوت بگیر» اشاره به «تورات» کتاب حضرت موسی است.

البته عده‌ای پیرو یحیی هستند و کتابی را هم به او نسبت می‌دهند، و شاید «صابئین موحد» پیروان یحیی باشند.

حضرت یحیی و حضرت مسیح، قدر مشترک‌هایی داشتند، زهد فوق‌العاده ترک ازدواج به عللی که گفته شد، و تولد اعجاز‌آمیز و همچنین نسب بسیار نزدیک.

از روایات اسلامی استفاده می‌شود که امام حسین (علیه‌السلام) و یحیی نیز جهات مشترکی داشتند لذا از امام علی بن الحسین زین‌العابدین (علیه‌السلام) چنین نقل شده که فرمود: خرجنا مع الحسین بن علی (علیهما‌السلام) فما نزل منزلا ولا رحل منه الا ذکر یحیی بن زکریا وقتله، و قال و من هو ان الدنيا على الله ان راءس یحیی بن زکریا اهدی الی بغی من بغایا بنی اسرائیل: «ما همراه امام حسین (علیه‌السلام) (به سوی کربلا) بیرون آمدیم، امام در هر منزلی نزول می‌فرمود و یا از آن کوچ می‌کرد یاد یحیی و قتل او می‌نمود و می‌فرمود: در بی‌ارزشی دنیانزد خدا همین بس که سر یحیی بن زکریا را به عنوان هدیه به سوی فردبی‌عفتی از بی‌عفت‌های بنی اسرائیل بردند. شهادت امام حسین (علیه‌السلام) نیز از جهاتی همانند شهادت یحیی (علیه‌السلام) بود (کیفیت قتل یحیی را بعدا شرح خواهیم داد). و نیز نام حسین (علیه‌السلام) همچون نام یحیی (علیه‌السلام) بی‌سابقه بود و مدت حمل آنها

### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۲

(به هنگامی که در شکم مادر بودند) نسبت به معمول کوتاه‌تر بود.

۲ - «محراب» محل خاصی است که در عبادتگاه برای امام یا افراد برجسته در نظر گرفته می‌شود، و در علت نامگذاری آن، دو جهت ذکر کرده‌اند: نخست اینکه از ماده «حرب» به معنی جنگ گرفته شده، چون محراب در حقیقت محل مبارزه با شیطان و هوای نفس است. دیگر اینکه محراب در لغت به معنی نقطه بالای مجلس است، و چون محل محراب در بالای معبد بوده به این نام نامیده شده. بعضی می‌گویند: «محراب» در میان بنی اسرائیل بعکس آنچه در میان ما معمول است در نقطه‌ای بالاتر از سطح زمین قرار داشته، و چندپله می‌خورده و اطراف آن را دیوار می‌کشیده‌اند به طوری که کسانی که داخل محراب بودند کمتر از خارج دیده می‌شدند جمله «فخرج علی قومه من المحراب» که در آیات فوق خواندیم با توجه به کلمه «علی» که معمولا برای جهت فوق به کار می‌رود این معنی را تایید می‌کند.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۳

آیه ۱۲ - ۱۵

آیه و ترجمه

۱۲ یا یحیی خذ الکتب بقوة و ائینه الحکم صبیا

۱۳ و حنانا من لدنا و زکوة و کان تقیا

۱۴ و برا بولدیه و لم یکن جبارا عصیا

۱۵ و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیا

ترجمه :

۱۲ - ای یحیی! کتاب (خدا) را با قوت بگیر، و ما فرمان نبوت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم.

۱۳ - و به او رحمت و محبت از ناحیه خود بخشیدیم، و پاکی (روح و عمل) و او پرهیزگار بود.

۱۴ - او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و جبار (و متکبر) و عصیانگر نبود.

۱۵ - و سلام بر او آن روز که تولد یافت، و آن روز که می‌میرد، و آن روز که زنده و برانگیخته می‌شود.

تفسیر:

صفات برجسته یحیی

در آیات گذشته دیدیم که خداوند چگونه به هنگام پیری زکریا، یحیی را به او

مرحمت فرمود، به دنباله آن در این آیات نخست فرمان مهم الهی را خطاب به «یحیی» می خوانیم: «ای یحیی! کتاب خدا را با قوت و قدرت بگیر!» (یا یحیی خذ الكتاب بقوة).

معروف و مشهور در میان مفسران این است که منظور «کتاب» در اینجا «تورات» است، حتی ادعای اجماع و اتفاق در این زمینه کرد

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۴

ولی بعضی این احتمال را داده اند که او کتابی ویژه خود داشت (همانند زبور داود) البته نه کتابی که متضمن آئینی جدید و مذهب تازه ای باشد. ولی احتمال اول قویتر به نظر می رسد.

به هر حال منظور از گرفتن کتاب با قوت و قدرت آنست که با قاطعیت هر چه تمام تر و تصمیم راسخ و اراده ای آهنین کتاب آسمانی تورات و محتوای آنرا اجرا کند، و به تمام آن عمل نماید، و در راه تعمیم و گسترش آن از هر نیروی مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، بهره گیرد.

اصولا هیچ «کتاب» و «مکتبی» را بدون قوت و قدرت و قاطعیت پیروانش نمی توان اجرا کرد، این درسی است برای همه مؤمنان و همه رهروان راه «الله».

بعد از این دستور، به مواهب دهگانه ای که خدا به یحیی داده بود، و یا اوبه توفیق الهی کسب کرد، اشاره می کند.

۱ - «ما فرمان نبوت و عقل و هوش و درایت را در کودکی به اودادیم» (و آتیناه الحکم صبیا).

۲ - «به او رحمت و محبت نسبت به بندگان از سوی خود بخشیدیم» (و حنانا من لدنا).

«حنان» در اصل به معنی رحمت و شفقت و محبت و ابراز علاقه و تمایل است.

۳ - به او پاکی روح و جان و پاکی عمل دادیم «و زکوة».

گرچه مفسران برای «زکات»، معانی مختلفی کرده اند، بعضی آن را به عمل صالح، بعضی به اطاعت و اخلاص، بعضی، نیکی به پدر و مادر، بعضی، حسن شهرت، و بعضی به پاکی پیروان، تفسیر کرده اند، ولی ظاهر این است که زکات معنی وسیعی دارد و همه این پاکیزگیها را در بر خواهد گرفت.

- ۴ - «او پرهیزگار بود و از آنچه خلاف فرمان پروردگار بود، دوری می کرد (و کان تقیا).»
- ۵ - «او را نسبت به پدر و مادرش خوشرفتار و نیکوکار و پر محبت قرار دادیم» (و برا بوالدیه).
- ۶ - «او مردی ستمگر و متکبر و خود برترین در برابر خلق خدا نبود» (و لم یکن جبارا).
- ۷ - «او معصیت کار و آلوده به گناه نبود» (عصیا).
- ۸ و ۹ و ۱۰ - و چون او جامع این صفات برجسته و افتخارات بزرگ بود» (درود ما بر او به هنگام ولادتش، و درود ما بر او به هنگامی که مرگش، و درود بر او در آن روز که زنده و برانگیخته خواهد شد) (و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیا).

**نکته ها:**

**۱ - کتاب آسمانی را با قوت و قدرت بگیر!**

کلمه «قوت» در جمله یا یحیی خذ الكتاب بقوة همانگونه که اشاره کردیم معنی کاملاً وسیعی دارد و تمام قدرتهای مادی و معنوی، روحی و جسمی در آن جمع است، و این خود بیانگر این حقیقت است که نگهداری آئین الهی و اسلام و قرآن با ضعف و سستی و ولنگاری و مسامحه، امکانپذیر نیست، بلکه باید در دژ نیرومند قدرت و قوت و قاطعیت قرار گیرد.

گرچه مخاطب در اینجا «یحیی» است، ولی در مواردی دیگر از قرآن مجید نیز این تعبیر در مورد سایرین دیده می شود:

در آیه ۱۴۵ اعراف، موسی ماءموریت پیدا می کند که تورات را با قوت بگیرد فخذها بقوة.

و در آیه ۶۳ و ۹۳ بقره همین خطاب نسبت به تمام بنی اسرائیل دیده می شود خذوا ما آتیناکم بقوة که نشان می دهد این یک حکم عام برای همگان است، نه شخص یا اشخاص معینی.

اتفاقاً همین مفهوم با تعبیر دیگری در آیه ۶۰ سوره انفال آمده است واعدوا لهم ما استطعتم من قوة: «آنچه از قدرت و قوت در توان شماست برای مرعوب

ساختن دشمنان فراهم سازید».

به هر حال این آیه پاسخی است به همه آنها که گمان می کنند از موضع ضعف می توان کاری انجام داد، و یا می خواهند با سازشکاری در همه شرائط مشکلات را حل کنند.

## ۲- سه روز مشکل در سرنوشت انسان

- تعبیر به «سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیا» نشان می دهد که در تاریخ زندگی انسان و انتقال او از عالمی به عالم دیگر سه روز سخت وجود دارد، روز گام نهادن به این دنیا «یوم ولد» و روز مرگ و انتقال به جهان برزخ «یوم یموت» و روز برانگیخته شدن در جهان دیگر (و یوم یبعث حیا) و از آنجا که این سه روز انتقالی طبیعتا با بحرانهائی روبرو است خداوند سلامت و عافیت خود را شامل حال بندگان خاصش قرار می دهد و آنها را در این سه مرحله طوفانی در کنف حمایت خویش می گیرد.

هر چند این تعبیر تنها در دو مورد در قرآن مجید آمده است در مواردی ( علیه السلام ) و عیسی ( علیه السلام )، اما در مورد یحیی تعبیر قرآن، امتیاز خاصی دارد، چرا که گوینده این سخن خدا است در حالی که در مورد مسیح ( علیه السلام ) گوینده، خود او است.

ناگفته پیدا است کسانی که در شرائط مشابهی با این دو بزرگوار باشند

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۷

مشمول این سلامت خواهند بود.

جالب اینکه در روایتی از امام علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) می خوانیم: ان اوحش ما یقوم علی هذا الخلق فی ثلاث مواطن: یوم یلدو یدو یخرج من بطن امه فییری الدنیا، و یوم یموت فیعاین الاخرة و اهلها، و یوم یبعث حیا، فیری احکاما لم یرها فی دار الدنیا و قد سلم الله علی یحیی فی هذه المواطن الثلاث و آمن روعته فقال و سلام علیه..

وحشتناکترین دوران زندگی انسان سه مرحله است، آن روز که متولد می شود و چشمش به دنیا می افتد، و آن روز که می میرد و آخرت و اهل آنرا می بیند و آن روز که برانگیخته می شود و احکام و قوانینی را می بیند که در این جهان حکمفرما نبود، خداوند سلامت را در این سه مرحله شامل حال یحیی نمود و او را در برابر وحشتها امنیت و آرامش داد و فرمود: و سلام علیه... پروردگارا در این سه موطن حساس و بحرانی سلامت را به ما مرحمت کن.

### ۳ - نبوت در خردسالی

درست است که دوران شکوفائی عقل انسان معمولاً حد و مرز خاصی دارد ولی می‌دانیم همیشه در انسانها افراد استثنائی وجود داشته‌اند، چه مانعی دارد که خداوند این دوران را برای بعضی از بندگان به خاطر مصالحی فشرده‌تر کند و در سالهای کمتری خلاصه نماید، همانگونه که برای سخن گفتن معمولاً گذشتن یکی دو سال از تولد لازم است درحالی که می‌دانیم حضرت مسیح (علیه السلام) در همان روزهای نخستین زبان به سخن گشود، آنهم سخنی بسیار پر محتوا که طبق روال عادی در شان انسانهای بزرگسال بود، چنانکه در تفسیر آیات آینده به‌خواست

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۸

خدا خواهد آمد.

از اینجا روشن می‌شود اشکالی که پاره‌ای از افراد به بعضی از ائمه شیعه کرده‌اند که چرا بعضی از آنها در سنین کم به مقام امامت رسیدند درست است.

در روایتی از یکی از یاران امام جواد محمد بن علی النقی (علیهما السلام) به نام علی بن اسباط می‌خوانیم که می‌گوید به خدمت او رسیدم (در حالی که سن امام کم بود) من درست به قامت او خیره‌شدم تا به ذهن خویش بسپارم و به هنگامی که به مصر باز می‌گردم کم و کیف مطلب را برای یاران نقل کنم، درست در همین هنگام که در چنین فکری بودم آنحضرت نشست (گوئی تمام فکر مرا خوانده بود) رو به سوی من کرد و گفت: ای علی بن اسباط! خداوند کاری را که در مساله امامت کرده همانند کاری است که در نبوت کرده است، گاه می‌فرماید: و آتیناه الحکم صبیا (ما به یحیی در کودکی فرمان نبوت و عقل و درایت دادیم) و گاه در باره انسانها می‌فرماید حتی اذا بلغ اشد و بلغ اربعین سنة... (هنگامی که انسان به حد بلوغ کامل عقل به چهل سال رسید...) بنابراین همانگونه که ممکن است خداوند حکمت را به انسانی در کودکی بدهد در قدرت او است که آن را در چهل سال بدهد.

ضمناً این آیه پاسخ دندان شکنی است برای خرده‌گیری که می‌گویند علی (علیه السلام) نخستین کسی نبود که از میان مردان به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان آورد، چرا که در آن روز کودک ده ساله بود و ایمان کودک ده ساله پذیرفته نیست.

ذکر این نکته نیز در اینجا بی‌مناسبت نیست که در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا (علیه‌ما السلام) می‌خوانیم که جمعی از کودکان در زمان کودکی آن حضرت به سراغش آمدند و گفتند اذهب بنا نلعب: «بیابرویم و با هم بازی کنیم»! او در جواب فرمود: ما للعب خلقنا: «ما برای بازی کردن آفریده نشده‌ایم» اینجا

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۲۹

است که خداوند در باره او فرمود و آتیناه الحکم صبیّا. البته باید توجه داشت منظور از لعب در اینجا سرگرمیهای بیهوده و به تعبیر دیگر بیهوده‌گرایی است، اما گاه می‌شود لعب و بازی هدفی را تعقیب می‌کند هدفی منطقی و عقلانی، مسلماً اینگونه بازیها از این حکم مستثنی است.

#### ۴ - شهادت یحیی

نه تنها تولد یحیی شگفت‌انگیز بود، مرگ او هم از پاره‌ای جهات عجیب بود، غالب مورخان مسلمان، و همچنین منابع معروف مسیحی جریان این شهادت را چنین نقل کرده‌اند (هر چند اندک تفاوتی در خصوصیات آن در میان آنها دیده می‌شود).

یحیی قربانی روابط نامشروع یکی از طاغوت‌های زمان خود با یکی از محارم خویش شد به این ترتیب که «هرودیس» پادشاه هوسباز فلسطین، عاشق «هیروودیا» دختر برادر خود شد، و زیبایی وی دل او را در گرو عشقی آتشین قرار داده، لذا تصمیم به ازدواج با او گرفت!.

این خبر به پیامبر بزرگ خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) یحیی رسید، او صریحاً اعلام کرد که این ازدواج نامشروع است و مخالف دستورات تورات می‌باشد و من به مبارزه با چنین کاری قیام خواهم کرد.

سر و صدای این مساله در تمام شهر پیچید و به گوش آن دختر «هیروودیا» رسید، او که یحیی را بزرگترین مانع راه خویش می‌دید تصمیم گرفت در یک فرصت مناسب از وی انتقام گیرد و این مانع را از سر راه هوسهای خویش بردارد.

ارتباط خود را با عمویش بیشتر کرد و زیبایی خود را دامی برای او قرارداد و آنچنان در وی نفوذ کرد که روزی «هیروودیس» به او گفت: هر آرزویی

داری از من بخواه که منظورت مسلما انجام خواهد یافت.  
«هیرودیا» گفت: من هیچ چیز جز سر یحیی را نمی خواهم! زیرا اونا من و تو را بر سر زبانها انداخته، و همه مردم به عیبجوئی مانشته اند، اگر می خواهی دل من آرام شود و خاطر من شاد گردد باید این عمل را انجام دهی!  
«هیرودیس» که دیوانه وار به آن زن عشق می ورزید بی توجه به عاقبت این کار تسلیم شد و چیزی نگذشت که سر یحیی را نزد آن زن بدکار حاضر ساختند اما عواقب دردناک این عمل، سرانجام دامان او را گرفت.  
در احادیث اسلامی می خوانیم که سالار شهیدان امام حسین (علیه السلام) می فرمود: «از پستیهای دنیا اینکه سر یحیی بن زکریا رابه عنوان هدیه برای زن بدکاره ای از زنان بنی اسرائیل بردند».  
یعنی شرائط من و یحیی از این نظر نیز مشابه است چرا که یکی از هدفهای قیام من مبارزه با اعمال ننگین طاغوت زمانم یزید است.

آیه ۱۶ - ۲۱

آیه و ترجمه

۱۶ و اذکر فی الکتب مریم اذ انتبذت من اهلها مکانا شرقیا  
۱۷ فاتخذت من دونهم حجابا فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشراسویا  
۱۸ قالت انی اعود بالرحمن منک ان کنت تقیا  
۱۹ قال انما انا رسول ربک لاهب لک غلما زکیا  
۲۰ قالت انی یکون لی غلم و لم یمسسنی بشر و لم اءک بغیا  
۲۱ قال کذلک قال ربک هو علی هین و لنجعلہ آیه للناس و رحمة منا وکان  
اءمرا مقضیا

ترجمه :

۱۶ - در این کتاب (آسمانی قرآن) از مریم یاد آر، آن هنگام که از خانواده اش جدا شد و در ناحیه شرقی قرار گرفت.



۱۷ - و حجابی میان خود و آنها افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد) در این هنگام ما روح خود را به سوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی عیب و نقص بر مریم ظاهر شد.

۱۸ - او (سخت ترسید و) گفت من به خدای رحمن از تو پناه می برم اگر پرهیزگار هستی.

۱۹ - گفت من فرستاده پروردگار توام (آمده‌ام) تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم!

۲۰ - گفت چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده‌ای هم نبوده‌ام؟! ۲۱ - گفت مطلب همین است که پروردگارت فرموده، این کار بر من سهل و آسان است، ما می‌خواهیم او را نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم و رحمتی از سوی ما باشد، و این امری است پایان یافته (و جای گفتگو ندارد).

**تفسیر:**

**سر آغاز تولد مسیح (علیه السلام):**

بعد از بیان سرگذشت یحیی (علیه السلام) رشته سخن را به داستان تولد عیسی (علیه السلام) و سرگذشت مادرش مریم می‌کشاند، چرا که پیوند بسیار نزدیکی در میان این دو ماجرا است.

اگر تولد یحیی از پدری پیر و فرتوت و مادری نازا عجیب بود، تولد عیسی از مادر بدون پدر عجیبتر است.

اگر رسیدن به مقام عقل و نبوت در کودکی، شگفت‌انگیز است، سخن گفتن در گهواره آنهم از کتاب و نبوت، شگفت‌انگیزتر است.

و به هر حال هر دو آیتی است از قدرت خداوند بزرگ، یکی از دیگری بزرگتر، و اتفاقاً هر دو مربوط به کسانی است که با هم قرابت بسیار نزدیک از جهت نسب داشتند چرا که مادر یحیی خواهر مادر مریم بود، و هر دوزنانی نازا و عقیم بودند و در آرزوی فرزندی صالح به سر می‌بردند.

نخستین آیه مورد بحث می‌گوید، در کتاب آسمانی قرآن از مریم سخن

---

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۳

بگو آنگاه که از خانواده خود، جدا شده و در یک منطقه شرقی قرار گرفت» (و اذکر فی الکتاب مریم اذ انتبذت من اهلها مکان شرقی).

او در حقیقت می‌خواست مکانی خالی و فارغ از هر گونه دغدغه پیدا کند که به راز و نیاز با خدای خود بپردازد و چیزی او را از یاد محبوب غافل نکند به همین

جهت طرف شرق بیت المقدس (آن معبد بزرگ) را که شاید محلی آرامتر و یا از نظر تابش آفتاب پاکتر و مناسبتر بود برگزید.

کلمه «انتبذت» از ماده «نبذ» به گفته «راغب» به معنی دور انداختن اشیاء غیر قابل ملاحظه است، و این تعبیر در آیه فوق شاید اشاره به آن باشد که مریم به صورت متواضعانه و گمنام و خالی از هرگونه کاری که جلب توجه کند، از جمع، کناره‌گیری کرد، و آن مکان از خانه خدا را برای عبادت انتخاب نمود.

در این هنگام، مریم «حجابی میان خود و دیگران افکند» تا خلوتگاه او از هر نظر کامل شود (فاتخذت من دونهم حجابا).

در این جمله، تصریح نشده است که این حجاب برای چه منظور بوده، آیا برای آن بوده که آزادتر و خالی از دغدغه و اشتغال حواس بتواند به عبادت پروردگار و راز و نیاز با او پردازد یا برای این بوده است که می‌خواست شستشو و غسل کند؟ آیه از این نظر ساکت است.

به هر حال «در این هنگام ما روح خود (یکی از فرشتگان بزرگ) را به‌سوی او فرستادیم و او در شکل انسان کامل بی‌عیب و نقص و خوش‌قیافه‌ای بر مریم ظاهر شد» (فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشرا سويا).

پیدا است که در این موقع چه حالتی به مریم دست می‌دهد، مریمی که

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۴

همواره پاکدامن زیسته، در دامن پاکان پرورش یافته، و در میان جمعیت مردم ضرب‌المثل عفت و تقوا است، از دیدن چنین منظره‌ای که مرد بیگانه زیبایی به خلوتگاه او راه یافته چه ترس و وحشتی به او دست می‌دهد؟ لذا بلافاصله «صدا زد: من به خدای رحمان از تو پناه می‌برم اگر پرهیزکار هستی»

(قالت انی اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا)

و این نخستین لرزه‌ای بود که سراسر وجود مریم را فرا گرفت.

بردن نام خدای رحمان، و توصیف او به رحمت عامه‌اش از یکسو، و تشویق او به تقوی و پرهیزکاری از سوی دیگر، همه برای آن بود که اگر آن شخص ناشناس قصد سوئی دارد او را کنترل کند، و از همه بالاتر پناه‌بردن به خدا، خدائی که در سخت‌ترین حالات تکیه‌گاه انسان است و هیچ قدرتی در مقابل قدرت او عرض اندام نمی‌کند مشکلات را حل خواهد کرد.

مریم با گفتن این سخن در انتظار عکس‌العمل آن مرد ناشناس بود، انتظاری

آمیخته با وحشت و نگرانی بسیار، اما این حالت دیری نپائیدناشناس زبان به سخن گشود و ماموریت و رسالت عظیم خویش را چنین بیان کرد و گفت من فرستاده پروردگار توام! (قال انما انا رسول ربك).

این جمله همچون آبی که بر آتش بریزد، به قلب پاک مریم آرامش بخشید. ولی این آرامش نیز چندان طولانی نشد، چرا که بلافاصله افزود من آمده‌ام تا پسر پاکیزه‌ای از نظر خلق و خوی و جسم و جان به تو ببخشم! (لاهب لك غلاما زكيا).

از شنیدن این سخن لرزش شدیدی وجود مریم را فرا گرفت و بار دیگر او در نگرانی عمیقی فرو رفت و «گفت: چگونه ممکن است من صاحب پسری

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۵

شوم، در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته و هرگز زن آلوده‌ای نبوده‌ام؟!» (قالت انی یکون لی غلام و لم یمسسنی بشر و لم اک بغیا).

او در این حال تنها به اسباب عادی می‌اندیشید و فکر می‌کرد برای اینکه زنی صاحب فرزند شود دو راه بیشتر ندارد، یا ازدواج و انتخاب همسر و یا آلودگی و انحراف، من که خود را بهتر از هر کس می‌شناسم نه تاکنون همسری انتخاب کرده‌ام و نه هرگز زن منحرفی بوده‌ام، تاکنون هرگز شنیده نشده است کسی بدون این دو صاحب فرزندی شود!

اما به زودی طوفان این نگرانی مجدد با شنیدن سخن دیگری از پیک پروردگار فرو نشست او با صراحت به مریم گفت: «مطلب همین است که پروردگارت فرموده، این کار بر من سهل و آسان است» (قال کذلک قال ربک هو علی هین).

تو که خوب از قدرت من آگاهی، تو که میوه‌های بهشتی را در فصلی که در دنیا شبیه آن وجود نداشت در کنار محراب عبادت خویش دیده‌ای، تو که آوای فرشتگان را که شهادت به پاکیت می‌دادند شنیده‌ای، تو که میدانی جدت آدم از خاک آفریده شد، این چه تعجب است که از این خبر داری؟! «و

سپس افزود: «ما می‌خواهیم او را آیه و اعجازی برای مردم قرار دهیم» (و لنجعلہ آیه للناس).

«و ما می‌خواهیم او را رحمتی از سوی خود برای بندگان بنمائیم» (و رحمة منا).

و به هر حال «این امری است پایان یافته» و جای گفتگو ندارد (وکان امرأ مقضیا).

---

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۶

نکته‌ها:

### ۱ - منظور از روح خدا چیست؟

تقریباً همه مفسران معروف، روح را در اینجا به جبرئیل فرشته بزرگ خدا تفسیر کرده‌اند، و تعبیر «روح» از او به خاطر آنست که روحانی است و هم وجودی است حیاتبخش، چرا که حامل رسالت الهی به پیامبران است که احیاء کننده همه انسانهای لایق می‌باشد و اضافه روح در اینجا به خدا دلیل بر عظمت و شرافت این روح است، که یکی از اقسام اضافه، اضافه تشریفیه است. ضمناً از این آیه استفاده می‌شود که نزول جبرئیل مخصوص پیامبران نبوده البتة به عنوان وحی و آوردن شریعت و کتب آسمانی منحصر بر آنها نازل می‌شده ولی برای رساندن پیامهای دیگر (مانند پیام فوق به مریم) مانعی ندارد که با غیر پیامبران نیز روبرو شود.

### ۲ - «تمثل» چیست؟

«تمثل» در اصل از ماده «مثول» بمعنی ایستادن در برابر شخص یا چیزی است، و «ممثل» به چیزی می‌گویند که به صورت دیگری نمایان گردد، بنابراین تمثل لها بشراً سویا مفهومش این است که آن فرشته الهی به صورت انسانی درآمد.

بدون شک معنی این سخن آن نیست که جبرئیل، صورتاً و سیرتاً تبدیل به یک انسان شد، چرا که چنین انقلاب و تحولی ممکن نیست بلکه منظور این است که او به صورت انسان درآمد هر چند سیرت او همان فرشته بود، ولی مریم در ابتدای امر که خبر نداشت چنین تصور می‌کرد که در برابر او انسانی است سیرتاً و صورتاً.

در روایات اسلامی و تواریخ «تمثل» به معنی وسیع کلمه، بسیار دیده می‌شود.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۳۷

از جمله اینکه: ابلیس در آن روز که مشرکان در دار الندوة جمع شده بودند و

برای نابودی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) توطئه می‌چیدند، او در لباس پیرمردی خیر اندیش و خیرخواه ظاهر شد و به‌اغوا کردن سران قریش پرداخت.

و یا دنیا و باطن آن به صورت زن زیبای دلربائی در برابر علی (علیه‌السلام) آشکار گشت و قدرت نفوذ در وی را نیافت که داستانش مفصل و معروف است.

و نیز در روایات می‌خوانیم مال و فرزند و عمل انسان به هنگام مرگ در چهره‌ای مختلف و خاص در برابر او مجسم می‌شوند.

و یا اعمال انسان در قبر و روز قیامت تجسم می‌یابد و هر کدام در شکل خاصی ظاهر می‌گردد «(تمثل)» در تمام این موارد، مفهومش این است که چیزی یا شخصی صورتاً به شکل دیگری در می‌آید نه اینکه ماهیت و باطن آن تغییر یافته باشد.

← بعد

↑ غرت

→ قبل